|  |
| --- |
| **منطقه­گرایی جدید در معماری و نقش فناوری های هوشمند در تحقق آن****فرامرز فدایی1، ملیکا علی زاده حسن آبادی2**  1- عضو هیات علمی، گروه معماری موسسه آموزش عالی خراسان، مشهد،Fadaee.Faramarz@khorasan.ac.ir  \*2- مدرس مدعو، گروه معماری موسسه آموزش عالی خراسان، مشهد، melika.alizadeh@khorasan.ac.ir   |
| **New Regionalism in architecture and the role of smart technologies in its realization**Faramarz Fadaee 1, Melika Alizadeh hasanabadi 2 1-Khorasan Institute of Higher Education, Mashhad, Iran  **\***2-Khorasan Institute of Higher Education, Mashhad, Iran |
|  |
| melika.alizadeh@khorasan.ac.ir**\*** ایمیل نویسنده مسئول  |
| **چکیده** |  |

به موازات روند شهرنشینی، چندین فرایند دیگر مانند جهانی­سازی و دیجیتالی­شدن وجود دارد که باعث میشود شهرها با چالشهای جدیدی روبرو شوند. یکی از جنبه­های ناشی از این فرایندها، تغییر آشکار سیاست فضایی، همراه با روند جهانی­سازی است. ادغام یک شهر در سیستم جدید جهانی، رابطه بین شهرها، مناطق و کشورها را تغییر داده ­است. عوامل مهمی مانند رقابت محلی و مزیت مکان در موفقیت و توانایی­انطباق یک شهر، منطقه یا کشور با وضعیت جدید تاثیرگذارند. منطقه­گرایی جدید مسائل مربوط به محیط زیست، عدالت و توسعه اقتصادی را در بردارد. و بر روی مناطق خاص و دیدگاههای مربوط به مشکلات کلان شهر پست مدرن تمرکز میکند. تجزیه و تحلیل جامع، روشهای فراگیر و مشارکتی، اهداف اصولی و رویکردهای­عملی، ویژگیهای اصلی آن است که فرصتی برای توسعه ابزارها و استراتژی­های جدید برنامه­ریزی منطقه­ای برای رفع مشکلات منطقه­ای معاصر است. در منطقه­گرایی­جدید، مدیریت هوشمندانه شهر- منطقه­ای مطرح میباشد که تحقق آن منجر به شکل­گیری مناطق شهری در یک بستر ملی و بین المللی می گردد. هوشمندی مفهومی فراگیر و چند بعدی است که نه تنها ICT بلکه جنبه­های یادگیری، نوآوری نهادی و حکمرانی را نیز­ دربردارد. فناوریهای هوشمند به عنوان ابزاری مدیریتی و تسهیل­کننده میتواند موجب دريافتهای­دروني از داده­های­منطقه­ای و بکارگیری آنها گردد. برنامه­ریزان، طراحان شهری و معماران باید با درگیرکردن شهرهوشمند از طریق یک شهرسازی جایگزین و با استفاده از ویژه گرایی­شبکه­ای، تعریف­ خود را در مورد فضای عمومی و شهر گسترش دهند. این نوع تغییر پارادایم به معنای پرورش رویکردها، مفاهیم و استراتژیهای سازمانی­جدید است که درتلاشند هر طیف وسیعی از نیازهای جامعه را بشناسند و برطرف کنند.

**واژه­هاي کليدي:** منطقه­گرایی جدید در معماری، فناوری­های هوشمند در معماری، فرهنگ شبکه، عامه بازگشتی، ویژه­گرایی شبکه ای.

**Abstract**

Alongside the urbanization process, there are several other processes, such as globalization and digitization, that are causing cities to face new challenges. One aspect of these processes is the apparent change in spatial policy coupled with the process of globalization. The integration of a city in the new global system has changed the relationship between cities, regions, and countries. Important factors such as local competition and the advantage of location influence the success and ability of a city, region or country to adapt to the new situation. New regionalism addresses environmental issues, justice and economic development. It focuses on specific areas and perspectives on postmodern metropolitan problems. Comprehensive analysis, participatory and inclusive approaches, principled goals and practical approaches are key features that provide an opportunity to develop new regional planning tools and strategies to address contemporary regional problems. In the new regionalism, smart city-area management is appointed that it’s realization leads to the formation of urban areas in a national and international context. Intelligence is a multi-dimensional concept that encompasses not only ICT but also aspects of learning, institutional innovation and governance. Smart technologies as a management and facilitator tool can deeply receive and use of regional data. Planners, urban designers, and architects must expand their definition of public space and the city by engaging smart cities through alternative urbanization and using Networked Specifism. This kind of paradigm shift means fostering new approaches, concepts and strategies that seek to identify and address every range of community needs.

**Keywords:** New Regionalism in Architecture, Intelligent Technologies, Network Culture, recursive public, Networked Specifism.

**1- مقدمه**

شهرها بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده­اند و انتظار می رود تا سال 2050، 2.5 میلیارد نفر دیگر نیز به آن اضافه شوند. این امر موجب افزایش روز افزون فشارهای محیطی و نیاز های زیرساختی گردیده که برای مقابله با آن و ارائه کیفیت بهتر زندگی بایستی بدنبال هزینه های پایدار باشیم. فناوری های هوشمند می توانند به شهرها در رفع این چالش ها کمک کنند و موجبات سرمایه گذاری­های عمومی بعدی را نیز فراهم سازند. همه چیز با داده شروع می شود. شهرداری­ها با یافتن بینش از طریق داده­های موجود می­توانند به راحتی به شرایط، پاسخ بدهند، منابع را خردمندانه تخصیص داده و برای آینده برنامه ریزی نمایند. علاوه بر این قرار دادن اطلاعات بلادرنگ در اختیار افراد و شرکت ها این امکان را فراهم می کند تا بهتر تصمیم گیری کرده و نقش فعال­تری در شکل­دهی به عملکرد کلی شهر داشته باشند. تمام نکته نیز همین­ است که به صورت مؤثرتر و پویاتر به نیازها و خواسته­های ساکنان پاسخ گفته شود. فناوری صرفاً ابزاری برای بهینه‌سازی زیرساخت ها، منابع و فضاهایی است که آنها به اشتراک می گذارند.(21) هوش دیجیتال مجموعه جدیدی از ابزارها را برای انجام کارهای بیشتر با صرف منابع کمتر فراهم می کند. اکنون جهان بسوی آینده­ای هوشمند به پیش می رود. همچنانکه بیش از پیش به اهمیت پایداری در ابعاد گوناگون از جمله بعد فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و محیطی پی برده است. این امر یعنی پایداری هوشمند از منظرهای گوناگون و دیدگاههای متخصصین مختلف و از جمله در معماری مورد دقت و پیگیری قرار دارد. علم و فناوری عامل اصلی رشد اقتصادی است و همچنین می تواند ضمن حفظ کیفیت عمومی، به ارائه پاسخ هایی برای مدیریت منابع و کاهش آلودگی، پرداختن به تغییرات آب و هوا و حفظ تنوع زیستی و همچنین کاهش بیماری و حفظ سلامت و رفاه کمک کند.(26) به عنوان مثال، نظارت و واکنش فعالانه و هوشمند فناوری نسبت به تغییر سطح حوضه های آب، رودخانه ها و جبهه های اقیانوس باعث می شود شهرهای ما بهتر کار کنند. در زمینه اهمیت تحولات دیجیتال در زندگی بشر، کلاوس شواب[[1]](#endnote-1)(2016) در کتاب "چهارمین انقلاب صنعتی" به تحولات دیجیتال در کنار فناوری اطلاعات و فرایندهای تولید اتوماتیک، که هرکاری را در جهان تحت تاثیر فراگیر خود قرار خواهد داد اشاره می­کند. و نقش پیشران های دیجیتال، فیزیکی، بیولوژیکی و ترکیب تکنولوژی های مربوط و نیز چالشها و فرصت های بوجود آمده ناشی از این تحولات را در همه ابعاد زندگی بشر اساسی می داند.(25) تحقق پایداری هوشمند جز با یک نگاه کل نگر به تمامی ابعاد مساله امکان پذیر نیست. از آنجا که معماری و زمینه شکل­گیری آن تاثیر متقابلی برهم دارند؛ رویکردهای معماری نیز در این بحث از جایگاه ویژه­ای برخوردارمی شود. همچنانکه می­دانیم؛ رویکرد منطقه­گرایی بر لزوم توجه به ویژگی­ها و دانش خاص فرهنگی، اجتماعی، محیط زیست، جغرافیا، اقلیم، و هویت یک منطقه خاص تأکید می کند و به عنوان یك استراتژی سازگاری، ابزاری برای تعدیل مدرنیسم بشمار می­رود که خود در راستای تحقق پایداری و در ارتباط نزدیک با معماری پایدار است. از سوییICT[[2]](#endnote-2) پتانسیلهای بسیار خوبی در ایفای نقش­های مهم و کلیدی برای حمایت از هدفهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطیِ پایداری در سطح جهانی دارد که مستلزم تلاشهای چندگانة منظم هستند. (22) این امر ضرورت تلاش در بکارگیری هوشمندانه فناوری های هوشمند را در تحقق منطقه­گرایی در معماری نشان می­دهد به­گونه­ای که بتوان در مسیر اهداف عمیق و دراز مدت پایداری هوشمند (و هوشمندی پایدار) قدم برداشت.

**2- روش تحقیق**

پژوهش کیفی حاضر به روش توصیفی- تحلیلی ضمن بررسی " منطقه گرایی جدید در معماری و نقش فناوری های هوشمند در تحقق آن" به اهمیت تلاش­های کلی­نگر در این زمینه می پردازد تا در نهایت بتوان با حفظ هویت خود در دنیای نوین امروز به روشی منطقی و پایدار در زمینه فوق دست یافت.

**3- پیشینه**

در ارتباط با پیشینه پژوهش، ابعاد متنوعی از تحقیقات می تواند به موضوع تحقیق پیوند خورده و با آن در ارتباط باشد. از آن جمله: **1-** در تعدادی از آثار به زمینه و رویکردهایی چون زمینه­گرایی و منطقه­گرایی پرداخته شده است. معماری، در محیط شکل می گیرد و محیط دارای ویژگی های جغرافیایی، ساخته شده، و فرهنگی است که با هم رابطه ای درونی دارند.(1) تولایی(1388) در مقاله­ای با عنوان زمینه گرایی در شهرسازی به 1- زمینه گرایی کالبدی( شکل کل از قبل موجود) 2- زمینه گرایی تاریخی( میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان) 3- زمینه گرایی اجتماعی– فرهنگی( معانی، ارزش ها و اهداف مشترک) می پردازد تا جوه گوناگون این گرایش بررسی و جایگاه آن در شهرسازی معاصر روشن شود. (2) معماري زمينه گرا با درك پيام بستر خود و بر اساس زمينه هاي فرهنگي، اجتماعي، تاريخي و كالبدي، اقليمي و شرايط خاص محل شكل مي­گيرد. (3)منطقه گرایی در معماری بر حفظ ویژگیها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد و در عرصة معماری رویکردهای متفاوتی داشته به نحوی که از رویکردهای بومی گرایانه و احیاگرایانة پیشین و تاکید بر برداشت های کالبدی از منطقه، به سمت رویکردهای نوین و استفاده از مزایای جهانی تغییر نگرش داده است. به قول الکساندر زونیس منطقه­گرایی هم به پيوندهاي پيچيده انساني مربوط مي شود و هم به تعادل اكوسيستم و مسائل زيست محيطي. هدف منطقه­گرايي، ايجاد تنوع در عين سود بردن از مزاياي جهاني است.(4) بایزیدی و همکاران(1392) در مقاله جهانی­سازی و منطقه­گرایی در معماری معاصر: تعامل یا تقابل؛ ضمن بررسی دیدگاهها و نظریات مختلف داخلی و خارجی در زمینه منطقه­گرایی از قول كن يينگ، منطقه­گرايي را به عنوان سبكي تعريف مي كند كه بين فناوري و فرهنگ، پلي برقرار می سازد. شایان و همکاران (1388) در مقاله مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه به تحلیل منطقه گرایی درآثار معماران غیر بومی در کشورهای محدوده خلیج فارس پرداخته و نمونه های موفق را حاصل تعامل معمار با بستر طراحی و توجه به ایجاد زیرساخت های اجتماعی لازم برای پیوند منطقی با ویژگی­های جهان امروز می دانند. فیض­آبادی و همکار(1395) در مقاله­ای به کاربرد منطقه­گرایی در معماری معاصر ایران با تحلیل معماری معاصر کشورهای اسلامی در حال توسعه در قالب برقراری تعامل و سود بردن به نحوی مطلوب از مزایای جهانی برای تقویت طرح و ایجاد حس مکان می پردازند به گونه­ای که در زمینه­های مختلف(هندسه، جزییات نما، فضاهای ویژه داخلی با توجه به عملکرد بنا، نورپردازی، و سازه) و موافق با ارزش­های فرهنگی، اجتماعی و هنجاری جامعه خود باشد. **2-** در بعضی پژوهش­ها به کاربرد فناوری های هوشمند از جمله به شهر هوشمند پرداخته شده و گذشته از تعاریف متعددی که از سوی صاحبنظران در این باره ارائه گردیده و صرف نظر از ابهامات آنها ابعاد مختلفی مورد بحث قرارگرفته است؛ از جمله توسعه پایدار شهرهای هوشمند در مطالعه اطلاعات مربوط به محققان، مدلها، چارچوبها و ابزارها دیده می­شود. ترینداده[[3]](#endnote-3) و همکاران(2017) با مرور سیستماتیک ادبیات در منابع اطلاعاتی فوق، موجود در پایگاههای علمی Scopus ، Science Direct و Emerald Insight به مضامین "شهر هوشمند" و "پایداری" با هدف توسعه پایدار شهرهای هوشمند پرداخته­اند. در طول یک دهه گذشته، فناوری های هوشمند شهری، به عنوان بخشی از دستور کار شهر هوشمند و پایدار، با هدف تشکیل زیرساخت اصلی شهر شکل گرفته است. در کنار این توسعه، عمومیت یافتن بینش پایداری نقش مهمی در برنامه ریزی و توسعه شهرها داشته است. امروزه، مفهوم شهر هوشمند به عنوان یک چشم انداز با هدف تشکیل شهری پایدار و ایده آلِ قرن بیست و یکم مشاهده می شود. به عبارت دیگر، شهر هوشمند یک شهر کارآمد، از لحاظ فناوری پیشرفته، سبز و اجتماعی است. (Vanolo 2014). این بدان معناست که برنامه های کاربردی شهر هوشمند تمرکز ویژ­ة فناوری را در صدر تولید راه حل­هایی برای چالش های زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی قرار می دهند(Yigitcanlar 2016).(16) همچنین در پژوهش های دیگر اشاره شده است که بحث نوآوری دیجیتالی در مدل­های کسب وکار منجر به پایداری شهر می گردد(پایداری اقتصادی). نوآوری تکنولوژیکی بر اثربخشی تاثیر می گذارد و الگوهای مردم را تغییر می دهد. در این باره جنبه های مختلفی برای تعریف مجدد رابطه بین شهر و محیط وجود داردکه می توان به تدوین استراتژی ها و دگرگونی ها اشاره کرد.(17) تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توسعه شهری در ابعاد مختلف (تحولات ساختاری، نهادی، زیرساختی، آموزش، مشارکت و همکاری هوشمند، ارتباطات اجتماعی، اقتصاد، زیست محیطی، تعاملات یکپارچه، شاخص­های دانش بنیان، ...) در پژوهش­هایی نظیر بهزادفر(1382)، مطلق(1388)، کیانی(1390)، مولایی(1395)، جمعه­پور(1396)، (Meijer,2016) دیده می­شود. میجر و بولیوار(18) به مطالعه مقالات و آثار پژوهشگران مختلف از سال 1999به بعد در باره ابعاد مدیریت شهری هوشمند (از جمله حکمرانی شهر هوشمند) و امکاناتی که فناوریهای­جدید برای تقویت سیستمهای شهری ارائه می­دهند؛ در پایگاههای ISI Web of Knowledge, Science Direct , Scopus EBSCO Host ABI/INFORM, پرداخته­اند. نکته مهم آن است که همه تلاشهای صورت گرفته به منظور ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان شهر صورت بپذیرد. در این صورت در کنار فناوری­های هوشمندسازی اهمیت جنبه اجتماعی و فرهنگی پایداری نیز مطرح است که در آثار محققان به چشم می خورد و در زمینه گرایی و منطقه گرایی مورد التزام می باشد. زمینه گرایی پیوند میان معماری و شهر سازی در زمینه معین است(2) و الگوی توسعه هوشمند با استفاده موثر از طبيعت و ساختارهاي محيطي به مقابله با توسعه پراكنده مي پردازد و در نتيجه انواع نابرابري هاي اجتماعي اقتصادي را كاهش مي دهد و از محيط طبيعي محافظت مي كند.(8) **3-** پنج دیدگاه اصلی در زمینه توسعه اجتماعی در ادبیات دیده می شود:1- رویکرد نیازهای اولیه، متاثر از پذیرش حق برخورداری از نیازهای اولیه انسانها. 2- رویکرد تکاملی، که فرایند توسعه اجتماعی، پیشرفتی خطی و پیچیده دارد و نتایج هریک از مراحل با مرحله قبلی ارتباط تنگانگی داشته؛ محصولِ تغییرات اجتماعی است و هدف آن نظم اجتماعی و نتیجه آن یکپارچگی اجتماعی می باشد. 3- رویکرد کارکردگرایی، چهار حوزه توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به عنوان چهار عنصر توسعه ملی مطرح می کند و هر یک را دارای هویت و استقلال نسبی می داند. 4- رویکرد ساختارگرا، فرایند ایجاد دگرگونیهای بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی است. 5- رویکرد تلفیقی، چهارچوب توسعه پایدار است که درآن توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفظ محیط زیست در رابطه متقابل با یکدیگر بوده و بر عدالت اجتماعی تاکید می­شود. ابعاد توسعه اجتماعی شامل عدالت، سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی، پایداری، امنیت اجتماعی، اخلاق توسعه اجتماعی است که همراه با مولفه های آن در مقاله جغتایی و همکاران (1395) با عنوان ابعاد و مؤلفه های توسعه اجتماعی در برنامه های توسعه مورد بررسی قرار گرفته است که از این مولفه ها می توان به دستیابی جامعه به اطلاعات و گسترش فناوری اشاره کرد.(6) بعد اجتماعی رویکرد توسعه پایدارشهري با تاکید بر عدالت اجتماعی درخدمت انسجام شهري، برابري در جامعه (کاهش تنشها و ترویج ارزشهاي اجتماعی، پویایی جمعیت، درآمد و اشتغال، سلامت و بهداشت) و مشارکتهاي مردمی(Lample,2005 )، نیز در پژوهش ها بررسی شده است. نوابخش و همکاران (1392) در مقاله بررسی تطبیقی شاخص هاي توسعه پایدار اجتماعی کلانشهرتهران مطالعه موردي؛ منطقه 6 و 10 به این نکته می پردازند و مشارکت شهروندي شهروندان، نحوه عملکرد اجرایی مدیریت شهري، میزان دسترسی به منابع و امکانات شهري و کیفیت محیط زندگی را موجب اختلاف و تفاوت دو منطقه از منظر توسعه پایدار اجتماعی می دانند. (7) در تحقیقات دیگر نیز به زمینه های مشابه پرداخته شده است. **4-** همچنین در تحقیقات و گزارشهای سازمانها و نهادهای بین المللی به تعریف­های جدیدی از منطقه گرایی و اشکال آن برمی­خوریم که متاثر از تغییرات رویکردی در زمینه های مختلف و ناشی از پیشرفت های تکنولوژیکی است و از آن جمله می توان به گزارش مورگان(2018) از سازمان بین المللی همکاری و توسعه اقتصادی[[4]](#endnote-4) اشاره کرد که بر گسترش سیاست نوآوری و بینش جدید برای شهرها و مناطق و سیاستگذاری های مبتنی بر مکان تاکید می کند.(19) اما بطور خاص، نقش فناوری های دیجیتال در خدمت منطقه گرایی، بحثی است که بایستی به آن پرداخته شود تا همگام با تجارب و همکاری­های جهانی و همسو شدن با پایداری بتوان به افقهای روشن پیش رو دست یافت.

**4- مفاهیم و مبانی نظری**

**4- 1 منطقه**

واژه منطقه به معنای بخش، حدود، خطه، محدوده، و ناحیه است. منطقه، ناحیه­ای جغرافیاییِ نسبتا وسیع از یک کشور یا قاره است که دارای ویژگی‌های طبیعی و یا انسانی متمایزی نسبت به مناطق همسایه باشد.(20) بایزیدی (1392) به نقل از هریس، منطقه بزرگ را مکانی غنی و در آمیخته با ذهنیت ها، آرزوها، تخیلات، بلند پروازی ها، منابع طبیعی و پیشامدهای اتفاقی و قرارگاه پر بار ذهنی تعریف می کند.(14) امروزه مفهوم "منطقه" بین مفاهیم "ملی" و "جهانی" واقع شده است (Borzel & Risse,2016). معمولاً تعاریف "منطقه" دارای جزء صریح جغرافیایی است. با این حال، نزدیکی جغرافیایی به خودی خود لزوماً کافی نیست، و سایر ویژگیهای مشترک اعضا، مانند پیوندهای فرهنگی، زبانی، اجتماعی یا تاریخی نیز دارای اهمیت هستند.( Mansfield and Milner, 1999) طیف گسترده­ای از سرزمین ها، گروه کوچکی از اجتماعات تا یک شهر و محیط اطراف آن، مجموعه ای متوسط از استانها یا سایر مناطق فرعی و یا یک قلمرو بزرگ چند ملیتی می تواند منطقه محسوب گردد.(30) "منطقه" همچنین ممکن است بوسیله وابستگی­های متقابل ایجاد شده توسط یک موضوع خاص تعیین شود (Nye,1968). به عنوان نمونه، انسجام اقتصادی یا سیاسی در مورد یک موضوع مشخص می تواند کافی تلقی گردد. (Hettne, 2005)، به این معنی که مرزهای آنچه هست و آنچه منطقه نیست، کم­رنگ می شود. با توجه به این ملاحظات، پیوستن و همکاری در تجارت و مدیریت تغییرات آب و هوا که لزوماً محدود به مناطقی نیستند که از لحاظ جغرافیایی نزدیک باشند بلکه توسط منافع مشترک ایجاد شده توسط موضوع همکاری ایجاد می شوند نیز منطقه محسوب می شود.(23) در میان تنوع دیدگاه ها در مورد مفهوم منطقه، تعریفی که توسط انجمن برنامه ریزی آمریکا ارائه شده است؛ منطقه را به عنوان یک جامعه سرزمینی متمایز می داند که با یک تاریخ مشترک، نهادهای اجتماعی مشترک و یک دیدگاه مشترک از روابط بین انسان ها و محیط زیست مشخص می شوند.(Ndubisi,2002) تنوع کنونی دیدگاههای منطقه برای درک و مدیریت فرایند جهانی سازی و تأثیرات آن بر پویایی منطقه­ای مانند رشد، برابری و کیفیت زندگی ضروری تلقی می شود.(Pastor, Benner, Rosner, Matsuoka, & Jacobs, 2004; Wheeler, 2002; 2004) این فعالیت به عنوان رنسانس برنامه ریزی منطقه­ای در عصر جهانی سازی خوانده شده است. (Bienefeld, 2000; Haughton & Counsell, 2004; Rainnie & Grobbelaar, 2005) و یک تغییر پارادایم در برنامه­ریزی منطقه­ای، که معمولاً با عنوان منطقه­ای نوین(NR) توصیف می شود. (OECD, 2001; Rainnie & Grant, 2005; Wheeler, 2002) و فراتر از رویکردهای نسبتا کلاسیک ترویج شده توسط (Isard ,1975) است.(27)

**4-2 منطقه گرایی**

همانطور که انواع مناطق وجود دارد، انواع منطقه گرایی نیز وجود دارد که می تواند از طریق اهداف یا انگیزه های منطقه­ای زیر طبقه بندی شود: 1- منطقه گرایی زیست محیطی( به منظور حفظ یک منبع ویژه زیست محیطی؛ به طور مشترک هوا، آب، زمین، انرژی، گیاهان، حیات وحش و سایر منابع طبیعی را مدیریت می کند. )2- منطقه گرایی مالی(خدمات ادغام، تقسیم تجهیزات کار یا سرمایه) 3- منطقه گرایی اقتصادی(استراتژی ها و شیوه های توسعه اقتصادی را متحد می کند. مانند همکاری در زمینه بازاریابی منطقه­ای و ارتقاء بازاریابی) 4- منطقه گرایی سیاسی( تقویت سیاسی) 5- منطقه گرایی عدالت و برابری(توزیع مجدد منابع، استاندارد کردن سطح خدمات در زمینه های آموزش، مسکن و سایر

زمینه ها) 6- منطقه گرایی مبتنی بر رشد( مدیریت تأثیر رشد کلان شهرها، هماهنگی، برنامه ریزی و شکل دادن به ماهیت و سرعت رشد) 7- منطقه گرایی فرهنگی( پاسداری از فرهنگ تهدید شده، ایجاد هویت منطقه­ای، تقویت با گسترش شبکه طرفداران، پایداری جنبش های اجتماعی)8- منطقه‌گرایی موقت(ad hoc) (انجام یک کار خاص با زمان محدود، مانند جذب شرکت جدید، جمع آوری بودجه یا میزبانی یک رویداد مهم*).* مناطق همچنین ممکن است بیش از یک نوع منطقه گرایی را همزمان انجام دهند. اهداف منطقه ای به معنای متفاوتی با امکانات منطقه ای در ارتباط هستند. فرآیندهای مشارکتی و فراگیر، تعهد به رهبری مشترک و دستاوردهای متقابل، موفقیت های اولیه برای ایجاد حرکت و اعتماد، روابط نزدیک با رسانه ها برای تقویت تفاهم و اقدامات منطقه­ای، انعطاف پذیری در انطباق با مشکلات و فرصت های جدیدی که بوجود می آیند، و چشم انداز بلند مدت و آینده محور در مورد تغییرات منطقه ای در این امر دخالت دارند. (30)از آنجا که عموما منطقه بر اساس آميزه اي از مجاورت جغرافيايي، تراكم تعاملات، وجود چارچوب هاي نهادي مشترك، و هويت هاي فرهنگي مشترك تعريف مي شود. از لحاظ تجربي مي توان با تكيه بر داده هاي مربوط به تعاملات دو جانبه مانند جريان هاي تجاري، شباهت ويژگي­هاي بازيگران، و ارزش ها و تجربيات مشترك، مناطق را تشخيص داد. مناطق واحدهايي پويا هستند. آن ها بيشتر ساخته­هايي فرهنگي، اقتصادي و سياسي می باشند كه تشخص مكاني دارند. "منطقه گرايي" جنبه هاي پوياي همكاري منطقه اي را كه به صورت رشد تعاملات اجتماعي و اقتصادي و تقويت هويت و آگاهي منطقه اي تعريف مي شود به خوبي بازگو مي كند. منطقه گرايي نتيجه­ افزايش جريان كالاها، مردم و انديشه ها در داخل واحدي مكاني است كه به همين دليل بر يكپارچگي و انسجامش افزوده مي شود. منطقه گرايي مي تواند از پايين (يعني بر اساس تصميمات شركت ها براي سرمايه گذاري و تصميمات افراد براي جابه جا شدن در داخل يك منطقه) پا بگيرد يا از بالا (يعني حاصل تلاش هاي سياسي دولت ها براي ايجاد واحدهاي منطقه­اي منسجم و تنظيم سياست هاي مشتركي براي آن ها) باشد.(15)

**4-3 منطقه گرایی جدید و حکمرانی شهری**

به موازات روند شهرنشینی، چندین فرایند دیگر مانند جهانی سازی و دیجیتالی شدن وجود دارد که باعث می شود شهرها با چالش های جدیدی روبرو شوند. یکی از جنبه های ناشی از این فرایندها، تغییر آشکار سیاست فضایی، همراه با روند جهانی سازی است. ادغام یک شهر در سیستم جدید جهانی، رابطه بین شهرها، مناطق و کشورها را تغییر داده است. عوامل مهمی مانند رقابت محلی و مزیت مکان در موفقیت و توانایی انطباق یک شهر، منطقه یا کشور با وضعیت جدید تاثیرگذارند. مطابق گفته والس[[5]](#endnote-5) شش اصل؛ منطقه گرایی جدید (از1980تا­کنون) را مشخص می کند:1- حکمرانی در مقابل دولت(بازیگران غیر دولتی، منافع عمومی و خصوصی)، 2- فرآیند در مقابل ساختار(فرآیندهایی نظیر چشم­انداز، برنامه ریزی استراتژیک، ایجاد توافق )،3- باز در مقابل بسته(مرزهای باز و انعطاف­پذیری)،4- اعتماد در مقابل پاسخگویی(استفاده از سرمایه اجتماعی منطقه­ای و زیرساخت های مدنی)،5- توانمند سازی در مقابل قدرت(مشارکت ذینفعان در تصمیم گیری)، 6- همکاری در مقابل هماهنگی(مشارکت ذینفعان در تصمیم گیری). (32) به موازات این، فراست و سالیوان یک شهر هوشمند را به عنوان شهری تعریف کرده­اند که حداقل در پنج مورد از هشت حوزه کاربردی انرژی، ساختمانها، تحرک، فناوری، زیرساختها، بهداشت و درمان، مدیریت و شهروندان دارای یک برنامه فعال و پروژه است. هر یک از این پارامترهای کلیدی دارای مؤلفه های خاصی هستند که "هوشمندی" یک شهر را تعریف می کنند.(29) مجموعه­ای از شاخص­ها برای ارزیابی تأثیر پروژه های شهر هوشمند طراحی شده اند. از جمله شاخص­های لازم و ضروری مانند: مردم(1- تشویق یک سبک زندگی سالم،2- انعطاف پذیری در تحویل خدمات،3- سواد دیجیتال،4- حریم خصوصی داده ها،...)، زمین(1- مصرف مواد داخلی،2- تولید مواد غذایی محلی،3- جزیره گرمای شهری،...)، موفقیت(1- سهم شرکت های معتبر،2- قطب­های نوآوری در شهر،3- داده­های باز)، حکمرانی(1- سیاست شهر هوشمند)می باشند.(31) هوشمندی مفهومی فراگیر و چند بعدی می باشد و شامل مفاهیم رشد هوشمندانه است که تلاش می کند جنبه های رقابتی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطیِ پایداری مربوط به شهرهای هوشمند را با هم وفق دهد. این امر نه تنها فناوری اطلاعات و ارتباطات(ICT) را در بر می گیرد بلکه شامل جنبه های یادگیری، نوآوری نهادی و حکمرانی نیز می باشد.(28)



منطقه گرایی جدید و حکمرانی شهری

International Research Master in Metropolitan, 2007 Source: Studies

**4-4 منطقه گرایی جدید در معماری**

به طور کلی، منطقه گرایی یک زیر حوزه دائمی در حال تحول در برنامه ریزی است. منطقه گرایی جدید[[6]](#endnote-6)(NR) مسائل مربوط به محیط زیست، عدالت و همچنین توسعه اقتصادی را در بر دارد. و بر روی مناطق خاص و دیدگاههای مربوط به مشکلات کلان شهر پست مدرن به منظور پاسخگویی به چالش های ناشی از جهانی سازی تمرکز می کند. NR به عنوان یک جنبش چند رشته ای (Wheeler,2002)، یک الگوی جدید (Rainnie & Grobbelaar,2005)، دوران جدیدی در برنامه ریزی منطقه ای(Haughton & Counsell,2004)، و یک مفهوم انعطاف پذیر و بحث برانگیز (Rainnie & Grant, 2005; Lovering ,1999; Sagan & Halkier, 2005) مطرح می باشد. و سبب احیای بعد فضایی و توجه بیشتر به مکان (Wheeler, 2002, p.270; Rainnie & Grant, 2005) و ارتقاء ارتباط بین بازیگران محلی، بسیج جمعیت، انسجام اجتماعی، هویت فرهنگی، همکاری بین نهادها و شبکه سازی می شود. تجزیه و تحلیل جامع، روشهای فراگیر و مشارکتی، اهداف اصولی و رویکردهای عملی، ویژگی های اصلی NR است که فرصتی برای توسعه ابزارها و استراتژی های جدید برنامه ریزی منطقه­ای برای رفع مشکلات منطقه­ای معاصر است. علاوه بر این، مقیاس سرزمینی، تأکید بر قلمرو و ماهیت چند بعدی آن، و لزوم نزدیک شدن به یک نگاه کل نگر که سیستم حاکمیتی، ترتیبات نهادی و واقعیت های متعدد را به رسمیت می شناسد نیز از ویژگی های آن محسوب می شود.(35) به بیان دیگر؛ منطقه گرايي، ديدگاهي تحليلي و انتقادی است که با تاکید بر حفظ ویژگی­ها و خصوصيات خاص مكان، برای هويت خاص منطقه در مقابل خصوصيات عام جهاني اولويت قائل است. منطقه گرایی در زمینه معماری، از رویکردهای مختلفی برخوردار بوده است به گونه­ای که از رویکردهای بومی گرایانه و تاکید بر برداشت­های کالبدی از منطقه به سمت رویکرد های جدید( مدرنیزم، نگاه تکنولوژیک و فناورانه به موضوع(5)) متمایل شده و توجه به مباحث اجتماعی، اکولوژیک و فرهنگی و تعاملات انسانی را جایگزین مباحث سبکی و زیبایی شناختی نموده است. توجه به ویژگیهای زیست بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزشهای محلی از نکات مورد توجه منطقه گرایی به حساب می آیند. (4) رویکردهای نوین منطقه گرایی و نگاه تکنولوژیک به آن در پی تعدیل اندیشه های افراطی و تعصب گرایانه و دارای محدودیت گذشته و تقویت دیدگاه تعاملی و استفاده از مزیتهای جهانی می باشد. (14) تقويت حس مكان، استفاده از قابلیتهای محلي برای دستيابی به توسعه پايدار، تاکید برمشارکت مردم، و بویژه توجه به نياز های واقعي انسان و ارز شهای فرهنگي، اجتماعی از راهبردهای منطقه گرايي می باشند. همچنانکه می دانیم؛ کیفیت زندگی اجتماعی به طیف گسترده ای از عوامل محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بستگی دارد که اندازه گیری آنها برای درک نقشی که ایفا می کنند و تدوین سیاستهای مناسب (با توجه به فرایندهای فراملی سازی و تغییرات داخلی (33)) یک چالش اساسی است. این کار با فرایند یکپارچه سازی بین المللی، که میزان وابستگی متقابل بین جوامع بشری در سراسر جهان را افزایش می دهد، حتی پیچیده تر نیز می شود، به طوری که نزدیک شدن به مطالعه هر جامعه بدون توجه صریح به پیوندهای آن با بقیه بی­معنا می باشد.(24)

**4-5 فناوری های هوشمند و منطقه گرایی جدید**

پراکندگی شهری، اقتصاد منطقه­ای کند، استفاده ناهماهنگ از اراضی، مشکلات محیط زیست، ضرورت توزیع مجدد منابع و نابرابری های درون شهری در مسکن، آموزش و ... نیازمند استفاده از فرصت های منطقه ای و ارائه خدمات منطقه ای بصورت فراگیر، آگاهانه و هدف گرا در زمینه های مختلف به منظور دستیابی به عدالت، پایداری محیط زیست و اقتصاد منطقه­ای به شکل کارآمد است.(30) بی شک در منطقه­گرایی جدید، مدیریت هوشمندانه شهر- منطقه­ای مطرح می باشد که تحقق آن منجر به شکل گیری مناطق شهری در یک بستر ملی و بین المللی می گردد. این امر نیازمند ­آگاهی از زیرساختهای منعطف، روش های مشارکتی و همکاری­ها و برنامه ریزی­های استراتژیک است. جهانی سازی و منطقه گرایی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در تعامل بوده و نمود آن در معماری انکار ناپذیر می باشد. بی تردید تحولات هوشمندانه در منطقه گرایی شهر و حکمروایی منطقه­ای نقش مهمی در پایداری دارد. حال این نکته اهمیت دارد: چگونه می توان مفهوم هوشمندی را به عنوان یک رویکرد گسترده در مورد بررسی مسائل مربوط به نگرانی های مناطق شهری در یک بستر ملی و بین المللی بکار گرفت و در برخورد صریح با فرآیند حکمروایی(28) به منظور یافتن پاسخهای متعادل به برنامه های چندگانه و پوشش دادن مقیاس منطقه­ای که شهرها در آن کار می کنند گسترش داد. تحولات دیجیتال نه تنها پذیرش مجموعه ای از فناوری ها است. بلکه، تغییری اساسی در فرهنگ (اهمیت استفاده درست و بجا از تحولات دیجیتال و ویژگی های آن)، پشتیبانی و تسهیلات توسط تکنولوژی می­باشد که این امر با تبادلِ اطلاعات و ارتباطاتِ به­هنگام؛ یکپارچگی در مدیریت منابع، حکمرانی مشارکتی، اعتماد و انسجام اجتماعی را بدنبال دارد. فناوری های هوشمند به عنوان ابزاری مدیریتی و تسهیل کننده و با ایجاد فضای دیجیتالی به موازات فضای واقعی، می­تواند موجب دريافتهای دروني از داده­های منطقه­ای و بازشناسی فرهنگي و اجتماعي، شناخت ارتباطات و تاثیرات متقابل بویژه تاثیرات متقابل فرهنگی، یادگیری دیجیتالی، تقویت حس مکان و هویت، دسترسی به عدالت، پايداری اجتماعی، و نوآوری و توسعه سرزمینی گردد. پشتوانه فناوری، برنامه های کاربردی ساخته شده توسط شرکت ها و شهروندان را بهبود می بخشد و باعث پیشرفت آموزش و ارائه خدمات عمومی می شود و به مردم این امکان را می دهد تا جوامع اجتماعی با ارزش تشکیل دهند. برنامه های کاربردی عواقب تصمیمات عمومی و خصوصی را شفاف می سازد و به گروه های مختلف کمک می کند تا هدف مشترک را پیدا کنند. هدف اصلی مردم است و بهره­وری، نوآوری و شفافیت اولویت های اساسی هستند. از این­رو زیرساخت های باز و غیرمتمرکز شهری در طراحی شهر هوشمند نه تنها مربوط به نوآوری محلی بلکه در مورد همکاری جهانی می باشد.

برخی از بزرگترین تأثیرات فرهنگ شبکه، در مقیاس شهر است. دسترسی باز به مجموعه داده های عمومی و اتصال به شبکه پهنای باند بالا می تواند قلمرو عمومی، نحوه زندگی و تعامل در مناطق شهری را تغییر دهد. ما به طور فزاینده قادر به جستجوی دیجیتالی و جستجوی شهر هستیم. مزایای فناوری که به طور موثر جریانهای ترافیکی و بارهای انرژی را مدیریت می کند را نباید دست کم گرفت. ابزارهای اجتماعی را می توان در سطح شهر لایه بندی کرد و بلادرنگ به اطلاعاتی در مورد چیزها و افرادی که ما را احاطه کرده اند، دسترسی یافت. این امر کمک می کند تا از طریق راه های جدیدی در ارتباط باشیم. و از پتانسیل های جمع آوری داده ها ، ابزارهای تجزیه و تحلیل و تجسم برای بهبود حس جامعه نسبت به مجموعه ای از چالش ها، خطرات و فرصتهای پیش روی آن استفاده نماییم.(Drew Hemment, Anthony Townsend;2013)(35) تحولات سریع در نوآوری دیجیتالی و در دسترس بودن و استفاده از مجموعه های داده های کلان ، فرصت هایی را برای فعالیت ها و مشاغل جدید اقتصادی و راه های ارزان تر برای ارائه خدمات شهری و عملکرد بازتر ایجاد می کند. این امر همچنین راه های جدیدی را برای تعامل دولت با شهروندان، پاسخگویی به نیازها و خواسته های آنان ارائه می دهد.(34) در عصر کلان داده(Big Data) و الگوی شهر هوشمند، ما فرصت داریم تا اطلاعاتی را در مورد محیط شهری به هم متصل، جمع آوری، تجزیه و تحلیل و یکپارچه سازی کنیم که به ما امکان بصری بهتر، الگوسازی و پیش بینی فرایندهای شهری، شبیه سازی نتایج احتمالی و موارد بیشتر را می دهد. این رویکرد نویدبخش بهینه سازی توزیع خدمات و به حداکثر رساندن بهره وری انرژی بوده و شهرها را قابل زندگی، کارآمد، پایدار و رقابتی تر می کند. الگوی شهر هوشمند که بیشتر بر فناوریهای هوشمند تاکید می کند بسوی شهروند هوشمند(Mark Shepard and Antonina Simeti;2013) امتداد می یابد. در رویکرد شهروند هوشمند، تغییر تمرکز از فناوری و شهر به نقشی که ممکن است شهروندان در شکل دهی به محیط شهری داشته باشند صورت می گیرد. این امر با هدف ارتباط مستقیم افراد ساکن در شهرها با اطلاعاتی درباره محیط محلی خود، مشارکت آنها در برنامه ریزی شهری، سیاستگذاری و فرآیندهای توسعه، و گزارش دهی و اقدام برای تأثیرگذاری بر تغییرات مثبت انجام می شود که منجر به تمرکز بر روی افراد - نه فناوری- به عنوان بازیگران اصلی درون سیستم شده، و سعی در شکل گیری اشکال جدید برنامه ریزی مشارکتی و حکمرانی دارد؛ جایی که بر الویت عوامل اجتماعی و فرهنگی بر راه حلهای اختصاصی فناوری پیشرفته تأکید می شود. تغییرات سریع بواسطه چابکی استراتژی های توزیع شده از پایین به بالا امکان پذیر است. با این وجود، هنگامی که تلاش می شود راه حل های محلی برای سیستم های بزرگتر شهری در نظرگرفته شود؛ جایی که قابلیت همکاری بین سیستم های مختلف و ایجاد استانداردهای باز برای به اشتراک گذاری داده ها بین آنها وجود دارد، چالش هایی در سطح سیاست و مقررات ایجاد می کند.

در عصر دیجیتال، زمینه(context) همه چیز است. نشانی های اینترنتی، مکان های IP، موقعیت مکانی جغرافیایی، دریافت از راه دور در همه جا، و پیدایش اینترنت اشیاء همه مرکزیت جدید مکان را در جغرافیای شکاف بی حد و حصر جهان های مجازی و موازی تأیید می کنند. قدرت اتصال وب منجر به ظهور زیست محیط های جدید و مشخصه های فوق العاده ای شده است که ده ها سال پیش در بین تک فرهنگ های یک قلمرو عمومیِ همیشه همگن، غیرممکن به نظر می رسید. آنچه که از این لحظه انقلابی به وجود می آید، تجدید نظر در منطقه گرایی انتقادی فرامپتون[[7]](#endnote-7) است: یک "ویژه گرایی شبکه ای" - جایی که ایده ها و روابط ، پروژه ها و شهرها همه ناشی از همکاری های نزدیک در شبکه های توزیع همه جا است. مکانهای جدید مشارکت و مبادله، مکانهایی که محدودیتی در فضای فیزیکی ندارند. فناوری اطلاعات عامل اصلی برنامه های ما برای شهرهای هوشمند است. بنابراین پاسخ دادن به پیامدهای تصمیمات گذشته کافی نیست. ما باید پیامدهای انتخابهایی را که اکنون در مورد شکل شهر آینده انجام می­دهیم درک کنیم و نقش شهروندان را در ایجاد شهرهای بهتر با فناوری اطلاعات گسترش دهیم. در سال های اخیر ، تجزیه و تحلیل علمی پیچیده نشان داده است که شبکه های تعامل انسان به صورت محلی پایه گذاری شده­اند کریستوفر کلی[[8]](#endnote-8) (2008)، انسان شناس فناوری، آن را "عامه بازگشتی" توصیف می کند: جامعه­ای آزاد که هم نتیجه و هم تولید کنندة شبکه است.(Carlo Ratti, Matthew Claudel, Antoine Picon, Alex Haw; 2013) فضای دیجیتال باید بخشی از پیوستار فضای شهری باشد که از فیزیکی تا مجازی امتداد دارد. حفظ دوگانگی فضاهای واقعی و مجازی مفید نیست. استفاده از اراضی تازه تعریف شده و فضای آزاد نیاز به طراحی شهری دارد که از معیشت توسعه یافته، آگاه باشد و انعطاف پذیری را در خود جای دهد. فضای عمومی باید چند منظوره، متصل و تقویت گردد. تعامل با فرهنگ، با نشانگرهای شهرنشینی قرن بیست و یکم، به پاسخهای متناسبی نیاز دارد که در سطح جهانی بیان شود. این کار با نحوه استفاده مردم از فضا و بررسی محدودیت های تجربه های شهری آغاز می شود. با كمك تكنولوژي، شهروندان توانايي آگاهي، ارتباط و اشتغال را با دنياي اطراف خود نسبت به گذشته دارند اما برای تحقق این امکانات، ما نیاز داریم تا معنای "هوشمند" را فراتر از زیرساختهای کاملاً متصل پیش برده و این که بدانیم چگونه شهروندان می­توانند در قلب تصمیمات و خدمات تأثیرگذار بر زندگی خود جای داشته باشند. برای هوشمند بودن، شهروندان بایستی به هم متصل باشند و این از یک بعد به معنای سرمایه گذاری در زیرساخت­ها می باشد. همچنین باید دسترسی خود را گسترش دهیم. داده ها دارای قدرت هستند اما فقط در صورتی که دسترسی و استفاده از آنها شکل بگیرد. داده های باز با به چالش کشیدن گروههای مدنی و سایر ذینفعان می تواند منجر به رشد اقتصادی و اصلاحات عمومی شود. فناوری های هوشمند فرصت هایی را برای خدمات غیرمتمرکز شهر در سایت فراهم می کند. برنامه ریزان ، طراحان شهری و معماران باید با درگیر کردن شهر هوشمند از طریق یک شهرسازی جایگزین، تعریف خود را در مورد فضای عمومی و شهر گسترش دهند. این نوع تغییر پارادایم به معنای پرورش رویکردها، مفاهیم و استراتژیهای سازمانی جدید است که در تلاشند هر طیف وسیعی از نیازهای اجتماعی را بشناسند و برطرف کنند. چگونگی اجرای فناوری ها می تواند بر نگرانی های مربوط به امنیت انسان و محیط زیست تأثیر بگذارد. و اینکه چگونه این مشکلات با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی - اجتماعی در هم تنیده است. این امر برنامه ریزان، طراحان، کارکنان فرهنگی، سیاست گذاران، فناوران و شهروندان را به چالش می کشد تا نه تنها خود محیط شهری بلکه اقتصادهایی که رویه های شهری را دنبال می کنند و فرهنگ ها و موضوعات فرهنگی که از طریق آنها در هم تنیده اند را بررسی کنند. اینجاست که اشکال جدید ساختارهای سازمانی و رویکردهایی که از بالا به پایین با ابتکارات از پایین به بالا پیوند می­خورند، می توانند مؤثر باشند.

 ما برای ساختن ساختمانها و زیرساخت ها، شهرها را ایجاد نمی کنیم. بلکه برای دور هم جمع شدن، تجارت، فرهنگ، مشارکت و مفهوم زندگی، شهرها را به وجود می آوریم. ساختمانها، وسایل نقلیه و زیرساختها صرفا محرک بوده و یک محصول جانبی از مردم و فرهنگ هستند. شهر مردم آن است.(35)



منطقه گرایی جدید در معماری و فناوری های هوشمند، ماخذ: نگارنده

5- جمع بندی و نتیجه گیری

شهرها بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده­اند و انتظار می رود تا سال 2050، 2.5 میلیارد نفر دیگر نیز به آن اضافه شوند. این امر موجب افزایش روز افزون فشارهای محیطی و نیاز های زیرساختی گردیده که برای مقابله با آن و ارائه کیفیت بهتر زندگی بایستی بدنبال هزینه های پایدار باشیم. فناوری های هوشمند می توانند به شهرها در رفع این چالش ها کمک کنند و موجبات سرمایه گذاری­های عمومی بعدی را نیز فراهم سازند. به موازات روند شهرنشینی، چندین فرایند دیگر مانند جهانی سازی و دیجیتالی شدن وجود دارد که باعث می شود شهرها با چالش های جدیدی روبرو شوند. یکی از جنبه های ناشی از این فرایندها، تغییر آشکار سیاست فضایی، همراه با روند جهانی سازی است. ادغام یک شهر در سیستم جدید جهانی، رابطه بین شهرها، مناطق و کشورها را تغییر داده است. عوامل مهمی مانند رقابت محلی و مزیت مکان در موفقیت و توانایی انطباق یک شهر، منطقه یا کشور با وضعیت جدید تاثیرگذارند. منطقه گرایی یک زیر حوزه دائمی در حال تحول در برنامه ریزی است. منطقه گرایی جدید[[9]](#endnote-9)(NR) مسائل مربوط به محیط زیست، عدالت و همچنین توسعه اقتصادی را در بر دارد. و بر روی مناطق خاص و دیدگاههای مربوط به مشکلات کلان شهر پست مدرن به منظور پاسخگویی به چالش­های ناشی از جهانی سازی تمرکز می کند. مطابق گفته والس[[10]](#endnote-10) شش اصل؛ منطقه گرایی جدید (از1980تا­کنون) را مشخص می کند:1- حکمرانی در مقابل دولت(بازیگران غیر دولتی، منافع عمومی و خصوصی)، 2- فرآیند در مقابل ساختار(فرآیندهایی نظیر چشم­انداز، برنامه ریزی استراتژیک، ایجاد توافق )،3- باز در مقابل بسته(مرزهای باز و انعطاف­پذیری)،4- اعتماد در مقابل پاسخگویی(استفاده از سرمایه اجتماعی منطقه­ای و زیرساخت های مدنی)،5- توانمند سازی در مقابل قدرت(مشارکت ذینفعان در تصمیم گیری)، 6- همکاری در مقابل هماهنگی(مشارکت ذینفعان در تصمیم گیری). تجزیه و تحلیل جامع، روشهای فراگیر و مشارکتی، اهداف اصولی و رویکردهای عملی، ویژگی های اصلی NR است که فرصتی برای توسعه ابزارها و استراتژی های جدید برنامه ریزی منطقه­ای برای رفع مشکلات منطقه­ای معاصر است. علاوه بر این، مقیاس سرزمینی، تأکید بر قلمرو و ماهیت چند بعدی آن، و لزوم نزدیک شدن به یک نگاه کل نگر که سیستم حاکمیتی، ترتیبات نهادی و واقعیت های متعدد را به رسمیت می شناسد نیز از ویژگی های آن محسوب می شود. پراکندگی شهری، اقتصاد منطقه­ای کند، استفاده ناهماهنگ از اراضی، مشکلات محیط زیست، ضرورت توزیع مجدد منابع و نابرابری های درون شهری در مسکن، آموزش و ... نیازمند استفاده از فرصت های منطقه ای و ارائه خدمات منطقه ای بصورت فراگیر، آگاهانه و هدف گرا در زمینه های مختلف به منظور دستیابی به عدالت، پایداری محیط زیست و اقتصاد منطقه­ای به شکل کارآمد است.(30) بی شک در منطقه­گرایی جدید، مدیریت هوشمندانه شهر- منطقه­ای مطرح می باشد که تحقق آن منجر به شکل گیری مناطق شهری در یک بستر ملی و بین المللی می گردد. هوشمندی مفهومی فراگیر و چند بعدی می باشد و شامل مفاهیم رشد هوشمندانه است که تلاش می کند جنبه های رقابتی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطیِ پایداری مربوط به شهرهای هوشمند را با هم وفق دهد. این امر نه تنها فناوری اطلاعات و ارتباطات(ICT) را در بر می گیرد بلکه شامل جنبه های یادگیری، نوآوری نهادی و حکمرانی نیز می باشد.(28) این مساله نیازمند ­آگاهی از زیرساختهای منعطف، روش های مشارکتی و همکاری­ها و برنامه ریزی­های استراتژیک است. جهانی سازی و منطقه گرایی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در تعامل بوده و نمود آن در معماری انکار ناپذیر می باشد. فناوری های هوشمند به عنوان ابزاری مدیریتی و تسهیل کننده و با ایجاد فضای دیجیتالی به موازات فضای واقعی، می­تواند موجب دريافتهای دروني از داده­های منطقه­ای و بازشناسی فرهنگي و اجتماعي، شناخت ارتباطات و تاثیرات متقابل بویژه تاثیرات متقابل فرهنگی، یادگیری دیجیتالی، تقویت حس مکان و هویت، دسترسی به عدالت، پايداری اجتماعی، و نوآوری و توسعه سرزمینی گردد. پشتوانه فناوری باعث پیشرفت آموزش و ارائه خدمات عمومی می شود و به مردم این امکان را می دهد تا جوامع اجتماعی با ارزش تشکیل دهند. برنامه های کاربردی عواقب تصمیمات عمومی و خصوصی را شفاف می سازد و به گروه های مختلف کمک می کند تا هدف مشترک را پیدا کنند. هدف اصلی مردم است و بهره­وری، نوآوری و شفافیت اولویت های اساسی هستند. از این­رو زیرساخت های باز و غیرمتمرکز شهری در طراحی شهر هوشمند نه تنها مربوط به نوآوری محلی بلکه در مورد همکاری جهانی می باشد. فناوری اطلاعات عامل اصلی برنامه های ما برای شهرهای هوشمند است. بنابراین پاسخ دادن به پیامدهای تصمیمات گذشته کافی نیست. ما باید پیامدهای انتخابهایی را که اکنون در مورد شکل شهر آینده انجام می­دهیم درک کنیم و نقش شهروندان را در ایجاد شهرهای بهتر با فناوری اطلاعات گسترش دهیم. در سال های اخیر ، تجزیه و تحلیل علمی پیچیده نشان داده است که شبکه های تعامل انسان به صورت محلی پایه گذاری شده­اند کریستوفر کلی[[11]](#endnote-11) (2008)، انسان شناس فناوری، آن را "عامه بازگشتی" توصیف می کند: جامعه­ای آزاد که هم نتیجه و هم تولید کنندة شبکه است.(Carlo Ratti, Matthew Claudel, Antoine Picon, Alex Haw; 2013) فضای دیجیتال باید بخشی از پیوستار فضای شهری باشد که از فیزیکی تا مجازی امتداد دارد. برنامه ریزان، طراحان شهری و معماران باید با درگیر کردن شهر هوشمند از طریق یک شهرسازی جایگزین، تعریف خود را در مورد فضای عمومی و شهر گسترش دهند. این نوع تغییر پارادایم به معنای پرورش رویکردها، مفاهیم و استراتژیهای سازمانی جدید است که در تلاشند هر طیف وسیعی از نیازهای اجتماعی را بشناسند و برطرف کنند. ما برای ساختن ساختمانها و زیرساخت ها، شهرها را ایجاد نمی کنیم. بلکه برای دور هم جمع شدن، تجارت، فرهنگ، مشارکت و مفهوم زندگی، شهرها را به وجود می آوریم. توجه به مباحث اجتماعی، اکولوژیک و فرهنگی و تعاملات انسانی در منطقه گرایی جدید با استفاده از امکاناتی که فناوری های هوشمند در اختیار می گذارد بخوبی می تواند در معماری هوشمندِ منطقه گرا نمود عینی یابد و به پایداری متوازن منجر گردد.

**مراجع**

*1- لنگ، جان ( ۱۳95). آفرینش نظریه معماری- نقش علوم رفتاری در درک محیط، ترجمه: علیرضاعینی فر. چاپ هشتم. انتشارات دانشگاه تهران*

*2- تولائی، نوین، (1380). زمینه گرایی در شهرسازی، نشریه هنرهای زیبا، شماره 10، ص 34-43*

*3- مهدوی نژاد، محمدجواد و همکاران، (1390). فرایند طراحی زمینه گرا- تجربه معماری( 89-88 )، نشریه نقش جهان، شماره 1، ص 21- 34*

*4- بایزیدی قادر و همکاران، (1392).* *جهانی سازی و منطقه گرایی در معماری معاصر: تعامل یا تقابل، نشریه هویت شهر، شماره* *31، ص 17-30*

*5- فیض آبادی، محمود و همکار،(1395).* *کاربرد منطقه گرایی درمعماری معاصر ایران با تحلیل معماری معاصر کشورهای اسلامی در حال توسعه،* *مجموعه مقالات سومین کنگره بین المللی افقهای جدید در معماری و شهرسازی، تهران*

*6- جغتایی، فائزه و همکاران، (1395). ابعاد و مولفه های توسعه اجتماعی در برنامه های توسعه، فصلنامة علمي پژوهشي رفاه اجتماعي، سال شانزدهم، شماره63*

7*- نوابخش، مهرداد و همکاران،(1392). بررسی تطبیقی شاخص هاي توسعه پایدار اجتماعی کلانشهرتهران مطالعه موردي؛ منطقه 6 و 1، نشریه تحقیقات کاربردي علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره 29،* ص 179-194

8- حسین زاده، کریم و همکار ، (1391). تاثير برنامه ريزي هوشمند بر انتظام فضايي شهر، نشریه جغرافيا و توسعه شهري، شماره1

9- بهزادفر، مصطفی،(1382). ضرورت ها و موانع ایجاد شهر هوشمند در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره15

10- مطلق، معصومه و همکار،(1388). تاثیر فناوری اطلاعات بر توسعه شهری(اراک)، پژوهش نامه علوم اجتماعي، سال سوم، شماره 2

11- کیانی، اکبر،(1390). شهر هوشمند در هزاره سوم در تعاملات یکپارچه شهرداری الکترونیک، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره14

12- جمعه پور، محمود، (1396). تدوین راهبردهای توسعه شهری با رویکرد توسعه دانش بنیان (مورد مطالعه: شهر صنعتی اراک)، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، شماره 20، ص 53- 65

13- مولایی، محمدمهدی و همکاران، (1395). تبیین و واکاوی چگونگی هوشمندسازی شهرها در تبیین و واکاوی چگونگی هوشمندسازی شهرها در بستر مؤلفه ها و عوامل کلیدی اثرگذار، فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان، شماره 3- 6 ، ص 75 – 93

14- بایزیدی، قادر و همکاران، (1392). جستاری بر تبیین دیدگاههای منطقه گرایی و سیر تحول آنها درمعماری معاصر، نشریه نقش جهان، دوره سوم، شماره ص 1-7

15- گريفيتس، مارتين، (1388)، دانشنامه روابط بين الملل و سياست جهان، ترجمه عليرضا طيب، تهران: نشر ني، چاپ سوم،1394

16-Trindade,E.P.,Hinnig,M.P.F.,Costa,E.M.Sabatini Marques,J., Bastos,R.C.,and Yigitcanlar,T.,(2017), Sustainable development of smart cities: a systematic review of the literature, Journal of Open Innovation: Technology, Market,and Complexity (2017) 3:11, DOI 10.1186/s40852-017-0063-2

17-Lee Goi,CH.,(2017), The impact of technological innovation on building a sustainable city, Goi International Journal of Quality Innovation (2017) 3:6, DOI 10.1186/s40887-017-0014-9

*18-*Meijer,A.,Bolivar,M.,(2016), Governing the smart city: a review of the literature on smart urban governance,International Review of Administrative Sciences 2016, Vol. 82(2) 392–408

*19-Morgan,K.,(2018),* *Experimental Governance and Territorial Development(Broadening innovation policy: New insights for cities and regions),OECD,PARIS 2018*

20- <https://fa.wikipedia.org/>

21-Mckinsey & company,(2018).”SMART CITIES:DIGITALSOLUTIONS FOR A MORE LIVABLE FUTURE” ,JUNE 2018

22-Wu,J.,Guo,S., Huang,H., Liu,W., and Xiang*,Y.,(2018),*Information and Communications Technologies forSustainable Development Goals: State-of-the-Art,Needs and Perspectives,*IEEE,Feb.2018*

23-Organisation for Economic Co-operation and Development,(2017),CLIMATE CHANGE AND TRADE POLICY INTERACTION: IMPLICATIONS OF REGIONALISM,*JT03412201*

*24-* Lombaerde,PH., Iapadre,P.,(2008), Chapter 21, International Integration and Societal Progress:A Critical Review of Globalisation Indicators, OECD (2008) Statistics, Knowledge and Policy 2007: Measuring and Fostering the Progress of Societies, OECD, Paris, pages 327-331

25- Schwab, K., The fourth industrial revolution, Penguin Random House UK, 2016

26-OECD and Department of Science and Technology,(2007), Integrating Science & Technology into Development Policies, <https://doi.org/10.1787/9789264032101-en>

27- Ortiz-Guerrero, C. E. (2013).The New Regionalism.Policy Implications for Rural Regions. *Cuadernos de Desarrollo Rural*, 10 (70), 47-67, 2013

28- Dierwechter, Y. , Herrschel, T. & Lintz, G. (2017).Smart city-regional governance for sustainability.

29- Frost & Sullivan, Smart Cities,(2019), [https://ww2.frost.com](https://ww2.frost.com/wp-content/uploads/2019/01/SmartCities.pdf)

30- Foster, k .A., Regionalism on Purpose,2001, Lincoln Institute of Land Policy, Cambridge,(2001)

31- Bosch,P., Jongeneel,S., Rovers,V. (TNO), Neumann,H-M. (AIT), Airaksinen.M., and Huovila.A. (VTT),(2017), CITYkeys indicators for smart city projects and smart cities, Co-funded by the European Commission within the H2020Programme,Grant Agreement no: 646440,2015-02-01…2017-01-31 (24 months),2017.

32- Windsheimer, D.,(2007),New Regionalism and Metropolitan Governance in Practice: a Major Smart Growth Construction Project in the Waterloo Region-the Light Rapid Transit- Project, Master-Thesis, International Research Master in Metropolitan Studies, Freie Universitat Berlin Institut fur GeographischeWissenschaftenArbeitsbereichStadtforschung(TEAS),Metar,Volume 51, ISSN:0170-6268,2007

33- Hettne, B. and Soderbaum, F., The New Regionalism Approach (1998). Politeia, Vol 17, No 3, pp. 6-21, 1998, [https://ssrn.com/abstract=2399180](https://ssrn.com/abstract%3D2399180)

34- Kleinman,M.,(2016), Cities, Data, and Digital Innovation, Institute on Municipal Finance and Governance and Innovation Policy Lab, Toronto, Ontario, Canada M5S 3K7, ISSN 1927-1921,2016

35- Hemment,D., and Townsend,A.,(2013), Smart Citizens, University of Dundee

36- Ortiz,G.o , Cezar. E., (2013). The New Regionalism. Policy Implications for Rural Regions. Cuadernos de Desarrollo Rural, 10 (70), 47-67,2013

**پی نویس**

1. Klaus Schwab متفکر، نظریه‌ پرداز و صاحب سبک در حوزه اقتصاد و فناوری و بنیانگذار مجمع جهانی اقتصاد می باشد. : [↑](#endnote-ref-1)
2. Information and Communications Technologies [↑](#endnote-ref-2)
3. Evelin Priscila Trindade [↑](#endnote-ref-3)
4. OECD: Organisation for Economic Co-operation and Development

سازمانی است بین‌المللی دارای ۳6 عضو و 250 کمیته تخصصی و کارگروه،که اعضای آن متعهد به اصول دموکراسی و اقتصاد آزاد هستند. این سازمان عمده‌ترین سازمان بین‌المللی تصمیم‌گیرنده اقتصادی در جهان و مقرّ اصلی آن در شهر پاریس است. [↑](#endnote-ref-4)
5. WALLIS [↑](#endnote-ref-5)
6. New Regionalism [↑](#endnote-ref-6)
7. منطقه گرايي انتقادی به محل، در يک سطح بسيار انتزاعی اشاره دارد. تلاش انتقادی فرامپتون عليه کاربرد جهاني استاندارد و صنعتي فزاینده مصالح ساختماني و روشهای احداثي که سنتهای ساختماني محلي و نفوذ آنها به درون معماری معاصر را ناديده گرفته، عمل مي کند. [↑](#endnote-ref-7)
8. Christopher Kelty [↑](#endnote-ref-8)
9. New Regionalism [↑](#endnote-ref-9)
10. WALLIS [↑](#endnote-ref-10)
11. Christopher Kelty [↑](#endnote-ref-11)